

# آیت الله شیخ عبدالله مامقانی

ناصرالدین انصاری قمی

## مقدمه

آیت تحقیق و استوائه نقیب، العلامة الثانی آیت الله عبدالله مامقانی نجفی (ره)، یکی از اختران تابناک آسمان فضاقت و دانش است. در این مقاله به گوشه‌ای از تلاش و کوشش غستگی ناپذیر وی در جهت احیای دین و ترویج مذهب، اشارتی می‌رود.

## ولادت

آیت الله عبدالله مامقانی در ۱۵ ربیع الاول ۱۲۹۰ هـ. ق<sup>۱</sup>، در نجف اشرف و در بیت علم و تقوا چشم به جهان گشود.

## خانواده

خانواده او یکی از مشهورترین بیوت علم شیعه به شمار می‌رود، نیسای و الاشب آیت الله علامه شیخ عبدالله مامقانی (د. ۱۲۲۶ هـ. ق) - از علمای معروف کربلا - و پدرش مرجع والامقام آیت الله شیخ محمد حسن مامقانی (د. ۱۳۲۳ هـ. ق) و برادرش آیت الله شیخ ابوالقاسم مامقانی (د. ۱۳۵۱ هـ. ق) و دامادش مرجع عالی قدر شیعه آیت الله سیدمحمد هادی میلانی (د. ۱۳۹۵ هـ. ق) و پدر همسرش آیت الله ملا احمد کوزه کنانی تبریزی (د. ۱۳۲۷ هـ. ق) بوده‌اند، که شرح حال هر یک از آنان در کتابهای تراجم آمده است.<sup>۲</sup>

## تحصیلات

وی ۵ ساله بود که نزد یکی از بانوان، خواندند و نوشتن قرآن را فرا گرفت.<sup>۳</sup> از آنجا که نشانه‌های هوش و استعداد فراوان در سببش نمایان بود، پدر بزرگوارش خود تعلیم او را



حسن مامقانی (د. ۱۳۲۳ هـ. ق) به طول انجامید. وی در این مدت، با تلاش و کوشش فراوان همه وقتش را به آموزش، مطالعه و نوشتن گذراند تا سرانجام به دریافت مکرر اجازه اجتهاد از پدرش - با اینکه مصروف بود وی در اعطای اجازه به شاگردانش بسیار محتاط و سخت گیر است - نایل آمد.

مرحوم علامه مدرس شبانه‌ای می‌نویسد: ... وی در تمامی عرض سال جز روز عاشورا را تعطیل نکرده و با همت فوق‌العاده فنور ناپذیر شب و روز مشغول مطالعه و مباحثه بود، تا در اواسط سال ۱۳۰۹ هـ. ق از کثرت تعطیلات مشغولین در هر پنجشنبه و جمعه و ایام اعیاد و ولایات علما و اکابر و اوقات زیارت مخصوصه که از اندازه خارج و علاوه بر تفسیح عمر گزینها مخالف عادت و سلیقه شخصی اشتغال دایمی شبانه روزی وی بوده، متائل و افسرده خاطر گردیده، و قفسه را به استاد درس سطح فقه خود - شیخ حسن میرزا - اظهار داشت، و او نیز در مقام چهارم جویی آن مطالعات محض دایمی خسته کننده، اسر به تألیف و تصنیف نمود... و در مقام تألیف نیز دستور داد که از باب دیات فقه شروع نماید، که به حکم تجربه هر که شروع به آن نماید تألیفش انجام پذیر گردد...<sup>۴</sup>

و بدینسان، وی موفق به تألیف بزرگترین موسوعه فقهی خویش شد. او در طول تألیف این کتاب با خود قرار داده بود که مشکلات مطالب را تنها با فکر خود بگشاید، از کسی پرسش ننماید، نتوردد، نپاشاند و استراحت نکند تا با سر پنجه تفسیر خود، دشواری عبارات فقها را بپازنماید.

#### اجازات

فقه فقید از پدر بزرگوارش، آیت الله علی جوهری و آیت الله حسن میرزا خراسانی اجازه روایت گرفته، و به شمار بسیاری از علمای شیعیه همانند: آیت الله میلانی، آیت الله نجفی مرعشی، آیت الله حجت کوه کمری، سلطان الواعظین شیرازی و غروی اردوبادی اجازه روایت بخشوده بود.

#### تدریس

آیت الله عبدالله مامقانی همزمان با فراگیری دانش، به آموزش آن نیز مشغول شد. پس از وفات پدر بزرگوارش، آوازه دویس فقه، اصول، حدیث، رجال و درایه او در حوزه علمیه نجف ظنین افکن شد، و فضلا و طلاب بسیاری گرد او حلقه زدند.

#### شاگردان

برخی از شاگردان آن استوانه فضیلت عبارتند از:  
 ۱. آیت الله سیدمحمد هادی حسینی میلانی (۱۳۱۳ - ۱۳۹۵ هـ. ق)، صاحب محاضرات فی الفقه الاسلامیه و قاداتنا کتب معروفه، خواهرزاده و داماد او

برعهده گرفت و بدو کتابهای: نصاب العیبهان، گلستان، صرف و نحو، و شرح سیوطی را آموخت، تا اینکه یکی از شاگردانش - مرحوم آیت الله شیخ هاشم اروتنی ملکی (د. ۱۳۲۳ هـ. ق) - بر این امر اطلاع یافت، و از استاد خواست کرد تا آموزش سیوطی را بدو واگذارده، و پس از اصرار بسیار سرانجام پدرش پذیرفت. آنگاه کتابهای شرح جامی، شرح مطلق، ایضاوچی، حاشیه ملا عبدالله، شرح شمسه، خلاصه الحساب، شرائع الاسلام و شرح لعمه را نزد وی فراگرفت، و در خلال آن نیز معالم الاصول را در محضر پدرش آموخت. دوران سطوح آیت الله مامقانی ۲/۵ سال به طول انجامید، چون وی تمام روزهای سال - حتی جمعه‌ها - را به تحصیل اشتغال داشت، و تنها روز عاشورا را تعطیل می‌کرد. سپس، وی به آموختن ترمین الاصول و طهارت ریاض پرداخت، و پس از آن فرانسده الاصول را نزد آیت الله صلاح‌غلامحسین دربندی (د. ۱۳۲۲ هـ. ق)<sup>۵</sup> فراگرفت. آن فقیه محقق، در این باره می‌نویسد: من نخستین بار بود که ترمین می‌خواندم، امسا دیگران برای بار دوم بود که این کتاب و درس می‌گرفتند. لذا، خیلی از مطالب را متوجه نمی‌شدم و به خانه می‌آمدم و با مطالعه و اندیشه در مطالب، مشکلات را می‌گشودم.

وی مکاسب را - همواره با رسائل - نزد آیت الله شیخ حسن خراسانی - معروفه به میرزا فراگرفت، و در ربیع الاول ۱۳۰۸ هـ. ق به درس خارج اصول و در محرم الحرام ۱۳۰۹ هـ. ق به درس فقه پدرش حاضر شد، و تقریرات آنها را نگاشت. این دوران تا زمان درگذشت پدر و الاقامش آیت الله شیخ محمد

به او رجوع کردند، و او هم بر رساله‌های فتراهی مانند: ذخیره الصالحین، جامع عباسی، منتخب المسائل و جمیع المسائل حاشیه نگاشت، و حاشیه خود بر جامع عباسی را داخل متن نمود و به چاپ رسید، و فتاوی او در تمام اقطار اسلامی منتشر گشت.

## تالیفات

آن مرد بزرگ تمام اوقات شویش را به مطالعه و تالیف می‌گذراند، و ساعسی را میسوزد از کف نص داد. خود می‌نویسد: «... به هنگام نگارش کتاب شرح شرائع، تنها به عبادات واجب و اندکی خور و خواب بسنده می‌کردم. حتی در وقت غذا بر سر سفره حاضر نمی‌شدم، بلکه حرمم غذا را لقمه می‌کرد و بر روی کتابهایی که لازم داشتم می‌گذاشت. و من در وقت استراحت از آن کتابها، لقمه‌ها را می‌خوردم»<sup>۸</sup>.

## کرامت امیرمؤمنان (ع) در حق او

او در ادامه می‌نویسد: هنگامی که شرح ابواب وصیت و فضا را می‌نوشتیم، چشمهام دردم و کم شد، به گونه‌ای که من مطالب را تقریر می‌کردم و شخصی می‌نوشت و پاکتوس می‌کرد. تا اینکه ۲ تن از پزشکان، خوانند و نوشتن را بر من حرام دانستند، و من یک هفته کارم را تعطیل نمودم، تا اینکه روزی از تعطیلی و عدم اشتغال سینم ام بسیار تنگ شد و حالت گریه به من دست داد. روزه حرم مظهر امیرمؤمنان (ع) کردم و مسره با گریه گفتم: آقای من! من خدمتگزار شما و مکتب شمایم، چرا چشماتم را شفا نمی‌دهید؟ پس از درد دل کردن با حضرت، به من الهام شد که به حرم مظهر مشرف شوم. پس از زیارت مرقد شریف و خواندن نماز مغرب و عشا، به خانه بازگشتم و با دشواری بسیار مشغول نگارش شدم. صبح روز بعد مترجه شدم چشماتم بهتر می‌بیند، و شبانگاه فهمیدم دیدگاتم نسبت به روز پیش بسیار بهتر می‌بیند. هنوز روز سوم نعام نشده بود که شانه‌ای از ضعف بینایی در چشماتم نبود، و به برکت ائمه اطهار (ع) بویژه امیرمؤمنان چشماتم بهبودی کامل یافت»<sup>۹</sup>.

تالیفات آن مرد بزرگ در نوشته‌های گوناگون دانش، عبارتند از:  
الف: فقه

۱- دستهی مقاصد الآتام فی نکت شرائع الاسلام: این کتاب یک دوره فقه از طهارت تا دیات و در ۶۳ مجلد بزرگ می‌باشد، و ظاهراً گسترده‌ترین کتاب فقهی است. از آن، کتابهایی زکات (۲ج)، خمس، صوم، اعتکاف و حج در سال ۱۳۲۸ هـ. ق، و کتابهای طهارت و صلاة در سال ۱۳۴۹ هـ. ق به چاپ رسید.<sup>۱۰</sup>

۲- مناهج المنطقین فی فقه ائمة الحق والیقین: این کتاب یک متن فقهی کامل فتراهی - از طهارت تا دیات - و ۳ مجلد بوده و

۲- آیت الله سید شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی (۱۳۱۵ - ۱۴۱۱ هـ. ق)، صاحب کتاب القصاص و غایة الفصوری

۳- آیت الله سید عبدالاعلی موسوی سبزواری (۱۳۲۸ - ۱۴۱۳ هـ. ق)، صاحب مهذب الاحکام و مواهب الرحمن فی

## تفسیر القرآن

۴- آیت الله سبزواری باقر زنجانی (۱۳۱۲ - ۱۳۹۲ هـ. ق)، صاحب حاشیه بر رسائل و مکاسب و کفایه

۵- حجت الاسلام عبدالحسین حلی (۱۲۹۹ - ۱۳۷۵ هـ. ق)، صاحب ترجمه الشریف الرضی

۶- حجت الاسلام محمدنورضا فرج اله (۱۳۱۹ - ۱۳۸۶ هـ. ق)، نویسنده التقدیر فی الاسلام

۷- حجت الاسلام محمد حرزالدین نجفی (۱۲۷۳ - ۱۳۶۹ هـ. ق)، نویسنده معارف الرجال و مرالد المعارف

۸- حجت الاسلام سیدمحمدصادق طباطبائی بحر العلوم (۱۳۱۵ - ۱۳۹۰ هـ. ق)، صاحب دلیل القیامه الشرعی

۹- حجت الاسلام سیدحسن میرجهانی اصفهانی (۱۳۱۵ - ۱۴۱۳ هـ. ق)، صاحب نواب الدعور فی علل الطهور

۱۰- حجت الاسلام سیدعبدالرزاق موسوی مفرم (۱۳۱۶ - ۱۳۹۵ هـ. ق)، صاحب مقتل الحسین و زید الشهد

۱۱- حجت الاسلام سید فیهام الدین نویسنده کفایه تجلی (د. ۱۳۸۶ هـ. ق)، داماد معظم له

۱۲- حجت الاسلام سید محمدظاهر موسوی بحرانی حائری (۱۳۰۲ - ۱۳۸۲ هـ. ق)

۱۳- حجت الاسلام محمد خطیب حائری (د. ۱۳۸۰ هـ. ق)

۱۴- حجت الاسلام شیخ محمدعلی شروی اردوبادی (۱۳۱۲ - ۱۳۸۰ هـ. ق) نویسنده علی ولید الکتبه و وسیع الدجیل

۱۵- حجت الاسلام شیخ صادق نکابین نجفی (۱۳۵۸ - ۱۳۸۰ هـ. ق) نویسنده احکام الخلل فی الصلاة

۱۶- حجت الاسلام سیدعبدالغالب حیدری کاشغری (۱۳۲۵ - ۱۴۰۰ هـ. ق)، نویسنده الامام بیوس الکاظم، داماد معظم له

۱۷- حجت الاسلام سیدمسعود موسوی فیروزی (۱۲۹۹ - ۱۳۲۳ هـ. ق)

۱۸- حجت الاسلام میرزا پحیی ارومی

۱۹- حجت الاسلام سیدمسعود حکیم نجفی

## مرجعیت

علامه آقا بزرگ نهرانی، در شرح زندگی او می‌نویسد: بسیاری از مردان آذربایجان و عراق و دیگر جاعا، در امر تقلید

در کثرت فروعات فقهی بی سابقه است. این کتاب در سال ۱۳۲۲ هـ. ق. در نجف و در ۱۲۰۲ هـ. ق. در قم چاپ شد. ۱۱ وی این کتاب را از مشتمل المفاسد استخراج کرد.

۳. هدایة الامام فی حکم اسوال الامام (ع): این کتاب در سال ۱۳۲۰ هـ. ق. در تبریز به چاپ رسید.

۴. نهابة المسائل فی تکملة غایة الاسال: این کتاب حاشیه بر مبحث خیارات مکاسب شیخ آتقاری می باشد. غایة الاسال نوشته پلویز گوازش، آیت الله شیخ محمد حسن مامقانی، و حاشیه مکاسب از ابتدا تا مبحث خیارات بوده ۱۳ و کتاب مزبور هم تکملة آن و در ۲ جلد است: جلد اول از ابتدای خیارات تا مبحث ارش، و جلد دوم از آغاز بحث ارش تا پایان مبحث قبض. ۱۴ این کتاب در نجف چاپ شد.

۶. تحفة الصغرة فی الحیوة: این کتاب در تبریز در سال ۱۳۲۰ هـ. ق. چاپ شد. ۱۵

۷. تحفة الخیرة فی احکام الحج و العمرة: این کتاب فارسی و بسیار بسوط می باشد. ۱۶

۸. مناسک الحج: مؤلف ۲ مناسک حج متوسط و کوچک به زبانهای عربی و فارسی نگاشت، که متوسط آنها در نجف در ۱۳۲۲ هـ. ق. و کوچک آنها در ۱۳۳۸ هـ. ق. به چاپ رسید. ۱۸

۹. منبع الرشاد: این کتاب مجموعه پرسشها و پاسخهای در مسائل عبادی بود، که در سال ۱۳۲۰ هـ. ق. در نجف منتشر شد. ۱۹

۱۰. سوال و جواب: این کتاب مفصل به زبان فارسی است، و در سال ۱۳۲۱ هـ. ق. در تبریز به چاپ رسید. ۲۰

۱۱. الدر المنفرد فی صیغ الايقاعات و العقود: این کتاب به گونه استدلالی و مفصل بوده، و به چاپ رسیده است. ۲۱

۱۲. الدر المنفردة: این کتاب ارجوزه ای در صیغ العقود است که هزار بیت می باشد و در سال ۱۳۲۶ هـ. ق. به چاپ رسید. ۲۲

۱۳. وسیلة النفی فی حوائس العروة الوثقی: در سال ۱۳۲۲ هـ. ق. در نجف اشرف به چاپ رسید. ۲۳

۱۴. ارشاد المنصیرین (ارشاد المنصیرین): این کتاب دوره فقه و به ترتیب تبصرة المعلمین علامه حلی و از آن بزرگتر بوده، و در سال ۱۳۲۲ هـ. ق. در نجف اشرف به چاپ رسید. ۲۴

۱۵. رساله در جمع بین الفاطمین، در نکاح. ۲۵

۱۶. الاثنا عشریة: این کتاب ۱۲ رساله فقهی و نقدی به اثمه اظهار (ع) بوده، و در سال ۱۳۲۲ هـ. ق. در نجف به چاپ رسیده است. نام این رساله ها عبارتند از:

- هدایة المحتول فی انتصاف المهر بالموت قبل الدخول. ۲۶
- اکتشف الرب و السوء عن اغناء كل غسل عن الوضوء. ۲۷
- فوسيلة النجاة، پاسخ به پرسشهای فقهی
- اجمع الدرر فی مسائل اثنتی عشره. ۲۸

- ۱- المسائل العامیة. ۲۹
- ۲- المسائل الخویة. ۳۰

- «المسافر لمن علیه قضاء شهر رمضان مع غیبن الوقت» ۳۱

- «عدم ابرات العقود الوطی لذات البعل شبهة و حرمتها علیه ابدا» ۳۲

- «المسئلة الجلابیة» ۳۳ در محاکمه بین آیت الله سید محمد کاظم یزدی و آیت الله شیخ الشریعة اصفهانی در مسئله ارث

همسراز پول ساختمان و اخذ به عیار ۳۵

۳- اقرار بعضی الورثة بدين و انکار الباقین. ۳۴

۴- کشف الاستار فی وجوب النسل علی الکفار. ۳۷

۵- مغزنان الثانی فی فروع العلم الاجمالی. ۳۸

۱۷. رساله در «اسکام المزول عن البعرة الدائمة». ۳۹

۱۸. حاشیه بر رساله های فتوایی جامع عباسی شیخ بهائی،



۵. القلاده التیمیة علی الرسائل الست السنیة: حاشیه بر رساله های ششگانه ملحق به مکاسب: تلبیه، عدالت، قاعده لا ضرر، قاعده من سلک، قضاء از میت و سوا سماعه و تعاقبه است. این کتاب در نجف به چاپ رسید. ۱۵

کتاب تهذیب شیخ طوسی شدم، ولی من این قسمت را نداشتیم. دیدم تا طلوع خورشید ۵ ساعت سائده است، و منی توامت کارم را تعطیل نمایم و بدون آن کتاب هم کاری از پیش نمی برم. در این حال، متوجه حضرت ولی عصر - ارواحنا فداء - شدم، و گفتم: آقا جان! از من تلاش و کوشش و از شما باری و امانت، و من اکنون قسمت رهن را می خواهم. در این حال پادم آمد مقداری از کتابهای وقتی قدیمی با خطوط بد و تازیانه در صرف، نحو و تفسیر نزد من موجود است که متروک افتاده، و چیزی که قابل استفاده باشد در آنها پیدا نمی شد، و اصلاً احتمال وجود تهذیب را در آنها نمی دادم. ناامید و مأیوس به سوی آنها رفتم و کتابی را برداشتم، تاگهان دیدم بخشی از

صیغ المقسود ملا علی زنجانی، مجمع المسائل، ذخیره العالجین و منتخب المسائل سید کاظم یزدی<sup>۲۰</sup>  
 ۱۹. رساله در اکل الالب من مال الاین<sup>۲۱</sup>  
 ۲۰. المسائل البصریة، پاسخ به ۲۸۵ سوال مهم فقهی<sup>۲۲</sup>  
 ۲۱. جوابات المسائل البغدادیة  
 ۲۲. تقریرات درس فقه مرحوم آیت الله شیخ محمد حسن مامقانی

ب: اصول

۱. مطارح الانعام فی مبانی الاحکام: به نوشته علامه فقیه مرحوم مدرس خیابانی: این کتاب دو طول ۹ ماه تألیف یافته، و کتابی است با طرز خوب و اسلوب مرغوب... که فقط مباحث را نگارش داده که سبباً احکام شرعی بوده و حاوی ثمرات فقهیه هستند و از نظریات بی فایده و تشکیکات بیهوده... اجتناب ورزیده است.<sup>۲۳</sup> این کتاب خلاصه ای از مجلدات هشنگانه پُرسی الوصول الی اسرار علم الاصول، نوشته پدر و الای او می باشد.<sup>۲۴</sup>  
 ۲. حاشیه فرالد الاصول<sup>۲۵</sup>  
 ۳. کتاب فاضل البرائة<sup>۲۶</sup>  
 ۴. تقریرات درس اصول آیت الله شیخ محمد حسن مامقانی

ج: رجال

۱. تنقیح المقال فی علم الرجال: به نوشته علامه یزدگوار شیخ آقا بزرگ نهرانی: این کتاب در ۳ مجلد بزرگ گسترده ترین کتابهای رجالی است، و شرح زندگانی تمام صحابه، تابعان، اصحاب ائمه اطهار(ع)، راویان احادیث و برخی از علمای دین را دربر دارد. تألیف این کتاب و ترتیب، تهذیب و چاپ آن، ۳ سال به طول کشید و این از خوارق عادات و نشانه تأییدات خاصه خداوندی است. خداوند متعال به مؤلف آن پاداشی بگرم و اجر بسیار عطا فرماید، که کتابی چنین را نگاشت.  
 مؤلف خود در آغاز جلد اول می نویسد: ...من برای نگارش این کتاب شبانه روز زحمت کشیدم، و تمام قرای خود را به کار گرفتم، و به اقل ضروری از خوردن و خوابیدن اکتفا کردم. و در این مدت ۳ سال، نه استراحت کردم و نه به تفریح رفتم، و حتی در شبهای دراز بیش از ۴ ساعت نمی خوابیدم. در این مدت درهای توفیق الهی به رویم گشوده شده بود، و هرگاه مطلبی را در کتابی می خواستم به مجرد باز کردن کتاب آن مطلب را می یافتم، و برای پیدا کردن آن معطل نمی شدم.  
 شیخ از شبهای طولانی ۳۰ ساعت بیش از طلوع فجر از خواب برخاستم، و برای تألیف این کتاب نیازمند بخش رهن از



تهذیب - که من می خواستم - و با خطی بسیار زیباست. با خورشید تمام آن را برداشتم و نیازم را برطرف کردم. و از شگفتیها آنکه، بعد از آن هرچه جستجو کردم، دیگر آن کتاب را نیافتم؛ گویا آن کتاب اصلاً وجود نداشت است. پس دانستم که این لطف مخصوص حضرت بقیه الله الاعظم - روح فداء - بوده است؛ و این انگیزه شد تا به کارم عشق ورزم، و سختی کار را احساس نکنم، و تمام وقتم را بدان مشغول باشم...<sup>۲۸</sup>  
 استاد آیت الله جعفر سبحانی از حضرت امام خمینی(ره) حکایت کرد، که ایشان می فرمودند: فنوشتن این کتاب در طول ۳ سال از شگفتیهای روزگار است، چه اگر کسی بخواهد از روی آن تنها استنسخ نماید عمری بیش از ۳ سال می طلبد، چه رسد به آنکه بخواهد آن را تألیف کند.

دانشگاه امام صادق(ع) آن را به چاپ رساند.

و. اخلاق:

مرآة الرشاد فی الرصبة الی الاحبة والا اولاد: این کتاب مکرو به چاپ رسیده است.<sup>۵۳</sup>

ز. احادیث:

۱. مرآة الکمال لمن رام درک مصالح الاعمال: این کتاب در آداب و مستحبات دینی در هر روز و شب، و ساه و سال بوده و چند مرتبه - از جمله همراه با پاروقیها و فهارس گوناگون، توسط فرزندان، آقای شیخ محسن الدین ماسقانی - به چاپ

مؤلف معظم در این کتاب با استفاده از کتابهای فراوان رجال، تراجم، حدیث، تفسیر، لغت و تاریخ شیعه و سنی، و با کمک و باری علامه شیخ عبدالحسین حلی - که نوشته های رجالی خود را در اختیار علامه ماسقانی نهاد - ، به نوشتن این اثر بزرگ و پدید برداشت. وی در این کتاب تنها به نقل گسترار رجالیان پیش از خود نپرداخت، بلکه متناهی در اقوال و استدلال برآیات مطلب خویش در سراسر کتاب موج می زند. ایشان ابتدا به سبب دوست نام شخص و نسب می پردازد، و سپس بر مدهای خویش استدلال می کند، و حال راوی را از روایات مدح و تم او و توجیه هر کدام استخراج می نماید. وی در این کتاب شرح حال حدود ۱۷ هزار نفر را ذکر کرده، و نامهای مردان، زنان، اقباب و کتبه ها را توضیح داده است. قرار است این کتاب در ۶۰ جلد با تحقیق و پاروقی، توسط فرزندی وی، آیت الله محسن الدین ماسقانی به چاپ رسد.

از آنجا که مؤلف فقیه، برای نگارش و چاپ این کتاب، به دلیل ترس از فوت وقت و به سر آمدن زندگی - که همین طور هم شد و مؤلف پیش از اتمام چاپ آن وفات یافت - شتاب فراوان داشت، لذا دچار اشتباهها و خطاهایی در استنباط شد که نیاز به تصحیح و تنقیح دارد. بر همین اساس، آیت الله حاج شیخ محمد نفی شوشتری(د. ۱۳۱۵ ه. ق) بر آن حواسی فراوان نگاشت و آن را تعلیقات تنقیح المقال نامید، سپس آنها را در متن داخل کرد، و شامله کتاب ارزشمند قاموس الرجال را بنیاد نهاد. در حقیقت، تألیف کتاب قاموس الرجال هم از برکات کتاب تنقیح المقال است.

۲. الفوائد الرجالية: این کتاب، در آغاز جلد نخست تنقیح المقال به چاپ رسید.

۳. نتائج التنقیح فی تیسیر التفسیر من الصحیح: این کتاب، فهرست مفصل تنقیح المقال بوده و جداگانه به چاپ رسید.<sup>۵۴</sup>

د. تراجم:

۱. مخزن المعانی فی ترجمة المحقق العامقانی: این کتاب شرح زندگی پدرش، آیت الله محمد حسن ماسقانی، است که همراه مقیاس الهدایة در سال ۱۳۲۴ ه. ق به چاپ رسید، و بزودی در قم با تحقیق و پاروقی آقای محمدرضا ماسقانی به چاپ می رسد.

ه. درایة الحدیث:

مقیاس الهدایة فی علم الدرایة: این کتاب گسترده ترین نوشتار در علم درایه در شیعه و سنی بوده، و چندین مرتبه - از جمله همراه با مقدمه و پاروقیهای مفصل و فهارس گوناگون و استدراک و نتایج آن در ۷ جلد که ۴ جلد اصل مقیاس و ۲ جلد استدراک و ۱ جلد نتایج آن است، به وسیله نواده اش آقای شیخ محمدرضا ماسقانی در قم - به چاپ رسیده است. همچنین، این کتاب توسط استاد علی اکبر غفاری تلخیص و تهذیب شد و



رسیده، و هم توسط شخص مؤلف به فارسی ترجمه شده است. مؤلفوهای این کتاب درباره: آداب ولادت، پوشاک، مسکن، خوردن و آشامیدن، خوابیدن، آداب طهارت و نماز، آداب نظافت و نجس، ازدواج، تجارت، اخلاق خوب و بد، آداب قرآن و دعا، و آداب بیماری و مرگ و پس از آن است.<sup>۵۵</sup>

۲. سراج الشیعة فی آداب الشریعة: این کتاب، ترجمه فارسی کتاب مرآة الکمال است، که در سالهای ۱۳۲۶ و ۱۳۵۱ ه. ق در نجف و تهران به چاپ رسید.<sup>۵۵</sup>

ح. طب:

الفوائد الطیبة: این کتاب فارسی بوده و دربرگیرنده تجربیات مؤلف است.

ی: کلام و مناظره:

۱. السبب الینارسی دفع شبه الکفار: این کتاب در اثبات اصول پنجگانه اعتدالی با ادله عقلی است. و به پاسخگویی به شبهات مادیها و مسیحیان پرداخته، و در ۱۳۳۳ ه.ق در نجف به چاپ رسیده است. ترجمه فارسی آن نیز توسط میرزا یحیی آروسی در ۱۳۴۲ ه.ق چاپ شد.<sup>۵۸</sup>

۲. ازاذه الوسوسه عن جواز تفییل الاعتاب المقدسه: این کتاب همراه با سخنرانی‌ها، در نجف به سال ۱۳۴۲ ه.ق به چاپ رسید.<sup>۵۹</sup>

تکنه ای که در تألیفات این مرد بزرگ به چشم می‌خورد، کثرت تألیفات و تنوع آنهاست که به بیش از ۱۰۰ مجلد می‌رسد. اگر تعداد آنها را با دوره تفهیم مفصل جوامع الکلام مقایسه کنیم، شمار کتابهای ایشان بیش از ۳ برابر دوره جوامع خواهد بود. <sup>۶۰</sup> و همه آنها به برکت عنایت ویژه‌ای است، که در عالم رویا از سوی حضرت امام جعفر صادق(ع) در حق ایشان میلول شده است. آیت الله ماسقانی در این باره می‌نویسد: شب شبیه ۱۱ جمادی الاول سال ۱۳۱۴ ه.ق، در عسالم رویا دیدم که در کسوه‌ای می‌رفتم تا به بالاخانه‌ای رسیدم. مشاهده کردم مردی بزرگوار و گندم‌گون، و دو نهایت زیبایی نشسته بود... و او حضرت امام جعفر صادق(ع) بود...

پس از پله‌ها بالا رفتم و بر آن حضرت سلام کردم و دستش را پرسیدم. پس از آن التماس کردم تا اجازه فرماید پایش را بر سرمه دهم و اجازت فرمود و به من گفت: دوستی و اخلاصم ثواب نیست به ما محرز است. سپس از آن حضرت خواستم تا آب دهان مبارکش را در دهانم گذارد تا سینه‌ام گشاده گردد. حضرت(ع) خواهش را پذیرفت و زبان مبارکش را در دهانم نهاد. من آن را می‌مکیدم و احساس می‌کردم که آب دهان حضرت در گهجا و عروق من جریان پیدا کرده است تا آنکه رگهایم انبساط یافته از آن شد. نزدیک بود که رگهای دستم پاره شود. لذا، زبان شریفش را از دهانم خارج کرد. پس حضرت(ع) فرمود: لبهایت را بیاورد تا آنها را ببوسم. لبانم را نزدیک نمودم، و حضرت(ع) آنها را بوسید. من بر خاشتم و از نهایت شادمانی بیچار شدم، و دیدم که صبح نزدیک است. پس، عهد را سیاسی گذاشتم.

آنان که شاک را به نظر کیمیا کنند

آیا شود که گوشه چشمی به ما کند

سپس، در ادامه می‌نویسد: پس، از آن بود که قلمم جاری شد، به گونه‌ای که تا پیش از آن در شبانه روز بیش از ۲ ورقه نمی‌نوایتم تصنیف نایم، اما پس از آن و از صبح روز بعد بود که در هر شبانه روز ۸ ورق و پس از مدتی ۱۰ ورق



می‌نوشتیم. و این همه با گرفتاری‌هایی بود که داشتم، از قبیل: نگاهش تمامه‌ها و مراجعه به کتابهای فقهی در پاسخ به استفساراتی که از مرحوم پندوم می‌شد. و هر کس تاریخ تمام مجلفات متکلم المصاحف را ببیند، راستی گفتارم بر او روشن می‌شود، به گونه‌ای که ۲ جلد دیبات و ۳ جلد نکاح را در مدت ۵ سال تألیف کردم، اما پس از این رویا در هر سال ۵ جلد و پس از اندکی ۹ جلد به رشته تحریر درآوردم، افلک فضل الله یزایبه من ینشاء والله ذوالفضل العظیم.<sup>۶۱</sup>

سفرها

آیت الله عبدالله ماسقانی در سال ۱۳۳۸ ه.ق به حج مشرف شد، و این سفر، ماهه عزت و آبروی شیمه و معرفی این ملعب بود. وی در طول این سفر به امامت جسامت بر طبق ملعب شیمه در برابر علمای مطاع عامه پرداخت، و هر شب نزدیک به ۱۵ هزار نفر بدو اقتدا می‌کردند. و این کرامت، برای هیچ یک از علمای شیمه روی ننداده است.<sup>۶۲</sup>

نیز آن مرد بزرگ ۲ مرتبه به زیارت حضرت علی بن موسی الرضا(ع) در سالهای ۱۳۲۲ ه.ق و ۱۳۲۶ ه.ق مشرف شد. در دومین سفرش بود که شب عید شعیب<sup>۶۳</sup> برای زیارت مرقد

مظهر حضرت معصومه (س) به قم آمد، و مورد استقبال بسیار مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکرم حائری یزدی - زعمیم حوزه علمیه قم - قرار گرفت. آن مرحوم، جای نماز خویش را در صحن مطهر به آیت الله مامقانی تفویض کرد، و طلاب و مردم قم از هر سو گرد او حلقه زدند، و برای پرسیدن از وی مسأله‌ها در نوبت می‌ایستادند. عهده ایشان فرموده بود: من به قم آمدم تا اندکی استراحت نمایم، نه اینکه از بام تا شام به پاسخی‌گویی به استفسارات، نامه‌ها و پرسشهای طلاب بپردازم.<sup>۶۶</sup>

#### ویژگیهای اخلاقی

آیت الله عبدالله مامقانی دارای اخلاقی نیک و رفتاری پستندیده بود. زهد، ورع، فروتنی، گفتار صریح و دوری از تمام مظاهر کبر، ریا و اخلاق ناپسند، از ویژگیهای نمایان وی بود.<sup>۶۷</sup>

#### الف: احیای شعائر حسینی

آن فقیه بزرگوار، به اقامه سوگواری سالار شهیدان علاقه بسیار داشت، و شبهای جمعه در منزل خویش اقامه عزای می‌کرد. وی هر روز پیش از درس خود، حدیث اخلاقی را عنوان می‌کرد، و درباره آن گفتگو می‌نمود، و پس از آن مصیبت امام حسین (ع) را تذکر می‌داد. هنگامی که به قم آمد، این مطلب را به مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکرم حائری یادآور شد. آن مسرد بزرگ نیزسز پذیرفت، و هر روز پیش از درس وی حجت الاسلام ابراهیم صاحب الزماني روضه می‌خواند.<sup>۶۸</sup>

#### ب: بهره‌وری از وقت

آیت الله مامقانی در شبانه روز تنها ۲ ساعت می‌خوابید، و به حداقل خوردن و پوشاک بسنده می‌کرد. تمام قدرت بدنی خویش را برای خواندن و نوشتن به کار گرفته بود، و لذا در ۶۱ سالگی بدون حیات گفت. هنگامی که به سوی مک مشرف می‌شد، مقدار معتابهای از کتابهای فقهی را نیز همراه خویش برد تا در طول راه مشغول تألیف و تصنیف باشد، و از کارش باز نماند.<sup>۶۹</sup> وی تمام دوره سطوح خود را در ۵/۲ سال به پایان رسانید، و در تمام ایام سال - از بدو تحصیل تا دوران مرجعیت، تألیف و تدریس - اشتغالات خویش را ترک نکرد، و تنها روز عاشورا را تعطیل می‌نمود.

#### ج: رسیدگی به حال نیازمندان

مرجع فقیه شیعه به دوماوندگان و نیازمندان رسیدگی کامل می‌کرد، بدون آنکه کسی متوجه شود. حکایت ذیل از شاگرد خصوصی وی، آیت الله نجفی مرعشی نقل شده است: من در مدرسه بخارانی - در نجف اشرف - سکونت داشتم، و به درس استاد بزرگوارم مرحوم آیت الله مامقانی حاضر می‌شدم. وقتی



۳ روز بر من گذشت و من هیچ چیز برای خوردن - حتی نان خشک - پیدا نکردم و تمام چیزهایم را - غیر از کتابهای علمی - فروختم، و دیگر آمی در بساط نمانشتم، و دواین مدت دست نیاز و توسل به دامن امیرمؤمنان علی (ع) دوا کردم و حل مشکلم را از او خواستم، در بعدازظهر یک روز گرم تابستان در حجره نشسته بودم و مطالعه می‌کردم و گرسنگی و گوسا بر من فشار می‌آورد. ناگهان در اتاقم باز شد و چادر نسی بزرگ در میان اتاق افتاد. من هر چه منظر شدم تا کسی از در وارد شود، فردی را ندیدم خودم برخاستم، و در حیاط مدرسه هر چه جستجو کردم باز کسی را نیافتم. از هرکس پرسیدم، او هم ندیده بود. به حجه‌سرام برگشتم، داخل چادر شب را نگاه کردم. در آن نوشک، لحاف، لباس، مرقچین و سایر مایحتاج زندگی و عبا، قبا، عمامه، ساعت، ۳ اشرفی طلا و مقداری نان و پنیر دادم، و ورقه‌ای را که بر روی آن نوشته بود: شما را به خدا من را پیش مادرت زهرار (ع) فراموش نفرما. پس، بسیار خوشحال شدم، و خدا را سپاس گفتم، و موضوع را آندک آندک فراموش کردم تا به ایران آمدم. روزی در مسجدشاه تهران مشهدی حسن، خادم شیخ استاد، را دادم و با او مسأله و رویوس کردم، و از نجف و روزهای خوش ایام تحصیل سخن می‌گفتم تا سخن به مرحوم مامقانی رسید. مشهدی حسن





٢٠. الفريعة، ج ٢٠، ص ٢٢٦  
 ٢١. همان، ج ٢١، ص ٢٢٦  
 ٢٢. تلخیص العقائد، ج ٢، ص ٢٠٩  
 ٢٣. الفريعة، ج ٢٠، ص ٢٨٦  
 ٢٤. مجلة مسجد، شماره ٢٠، ص ٧٧  
 ٢٥. تلخیص العقائد، ج ٢، ص ٢٠٩  
 ٢٦. الفريعة، ج ١٨، ص ١٢٠  
 ٢٧. همان، ج ٢٠، ص ٢٢٩  
 ٢٨. نهایه البشر، ج ٣، ص ١١٩٩  
 ٢٩. تلخیص العقائد، ج ٢، ص ٢١٠  
 ٣٠. نهایه البشر، ج ٣، ص ١١٩٩  
 ٣١. الفريعة، ج ٢٠، ص ٢٣٨  
 ٣٢. روحانیة الادب، ج ٣  
 ٣٣. نهایه البشر، ج ٣، ص ١١٩٩  
 ٣٤. همان، ج ٢، ص ١١٩٩  
 ٣٥. الفريعة، ج ٢٠، ص ٢٣٨  
 ٣٦. روحانیة الادب، ج ٣  
 ٣٧. نهایه البشر، ج ٣، ص ١١٩٩  
 ٣٨. همان، ج ٢، ص ١١٩٩  
 ٣٩. تلخیص العقائد، ج ٢، ص ٢  
 ٤٠. نهایه البشر، ج ٣، ص ١١٩٩  
 ٤١. همان، ج ٢٠، ص ٢٣٨  
 ٤٢. همان، ج ٢٢، ص ١٨  
 ٤٣. همان، ج ٢٠، ص ٢٧٢  
 ٤٤. همان، ج ٢٠، ص ٢٨٢  
 ٤٥. همان، ج ١٢، ص ١٥٧  
 ٤٦. تلخیص العقائد، ج ٢، ص ١٢١  
 ٤٧. همان  
 ٤٨. الفريعة، ج ١٢، ص ٢٨٦  
 ٤٩. همان، ج ١، ص ٥٢٨  
 ٥٠. روحانیة الادب، ج ٣، ص ٢٢٢  
 ٥١. تلخیص العقائد، ج ٢، ص ٢١٠  
 ٥٢. همان، ج ٢، ص ٢١١  
 ٥٣. گفتار مرحوم آیت الله میرزا عبدالله مجتهدی  
 ٥٤. مسائل النجف و حاشیة، ج ٣، ص ٢٥٦  
 ٥٥. نهایه البشر، ج ٣، ص ١١٩٩  
 ٥٦. آثار الحمید، ج ١، ص ٦٠  
 ٥٧. المسائل، ج ٢، ص ٢١٥  
 ٥٨. به نائل از آیت الله محمد بن مامقانی  
 ٥٩. نهایه البشر، ج ٣، ص ١١٩٩  
 ٦٠. همان، ج ٢، ص ٢٢٢  
 ٦١. حقیة المصلین - در دریا - ص ٣٩

٢. احسن الترویج فی تراجم مشاهیر مجتهدی الشیخ، سید محمد مهدی موسوی خوانساری، چاپ بغداد، ج ١، ص ١٣٨  
 ٣. الاعلام، غیرالذین زکوا، دارالفکر، بیروت، ج ٢، ص ١٣٢  
 ٤. الاعلام الشرقیة (ص ١٣٦)  
 ٥. تلخیص العقائد فی علم الرجال، شیخ عبدالله مامقانی، مطبعة المرتضویة، نجف، ق ١٣٥٠، ج ٢، ص ٢٠٨  
 ٦. الفريعة فی تصانیف الشیخ، شیخ آقا بزرگ نهری، دارالاحیاء، بیروت، ١٣١٠، ق (مطبوعات مختلف)  
 ٧. رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، مهدی مجتهدی، چاپخانه نشر جهان، تهران، (ص ١٨٧)  
 ٨. روحانیة الادب فی تراجم المشهورین بالکتیبة الرقابیه، میرزا محمدتقی مدرس شبلی، چاپخانه علم، تهران، ١٣٢٨  
 ٩. زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، شیخ مرتضی انصاری، کنگره شیخ انصاری، قم، (ص ٢٢٢)  
 ١٠. علماء معاصرین، حاج ملاعلی واعظ شبلی، کشتیپروش اسلامیه، تهران، ١٣٦٦، ق (ص ١٥٩)  
 ١١. کلیات فی علم الرجال، جعفر سبحانی، مرکز مذهب حوزة علمیه قم، قم، ١٣١٢، ق (ص ١٣٦)  
 ١٢. لغت نامه، علی اکبر دهخدا، سازمان لغت نامه دهخدا، تهران، ج ٢٥، ص ١١٢٨  
 ١٣. المکسر والأکنار، محمدحسن خان اعظمه القوی، کتبخانه ستانی، تهران، (ص ١٦٨)  
 ١٤. مسائل النجف و حاشیة، شیخ جعفر آل حموی، دارالاحیاء، بیروت، ١٣٦٠، ج ٣، ص ٢٥٥  
 ١٥. مخزن المعانی فی ترجمة شیخنا المامقانی، شیخ عبدالله مامقانی، نجف  
 ١٦. المسائل فی الاجازات، جمع و تکوین، سید محمود مرعشی نجفی، کتبخانه مرعشی، قم، ١٣٧٥، ص ٣٥٥  
 ١٧. معنی العقائد فی معنی علم الرجال، شیخ آقا بزرگ نهری، چاپخانه دولتی ایران، تهران، ١٣٣٧، ص ٢٥٠  
 ١٨. معارف الرجال فی تراجم العلماء والایماء، شیخ محمد حرزالدین، کتبخانه آیت الله مرعشی، قم، ج ٢، ص ٢٠  
 ١٩. معجم رجال الفکر والادب فی النجف خلال الف عام، محمدعادی امینی نجفی، بیروت، ج ٣، ص ١١٢٥  
 ٢٠. معجم بؤلک الشیخ، علی فاضل فلهی، وزارت ارشاد اسلامیه، تهران، (ص ٢٨٢)  
 ٢١. معجم المؤلفین، صدررضا کفایه، داراحیاء التراث العربیه، بیروت، (ج ٦، ص ١١٦)  
 ٢٢. معجم المؤلفین المرتضیین، کورکیس عواد، چاپ بستاندار (ج ٢، ص ٣٢٢)  
 ٢٣. مشاهیر آذربایجان، عبدالرحیم علیقلی بخشایش، نشر آذربایجان، تبریز، ١٣٧٥، ص ٢٧٢

فهرست منابع:  
 ١. الاجازة الكبيرة، سید شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی، کتبخانه آیت الله مرعشی، قم، ١٣٧٣، ص ٨٩٨